

تصویرسازی ژئوپلیتیک آمریکا در شمال سوریه

محمد رضا حاتمی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۴

۲۲۹



چکیده

تصویرسازی ژئوپلیتیک مفهومی بسیار گسترده‌تر از بازنمایی کشورها در خصوص مأموریت‌های ملی، تحدید قلمروئی و کدهای ژئوپلیتیک کشورها می‌باشد که با سطوح تهدید سرزمینی و هویتی جهان آشوب‌زده، این مفهوم در سیاست‌های خارجی کشورها، برجسته‌تر می‌نماید. در این راستا، هویت و اسطوره‌های ملی ایالات متحده آمریکا که بر پایه "دیگری" ترسیم شده است، تصویرسازی ژئوپلیتیک این کشور را در مناطق مختلف جهان بوجود آورده است. اشغال عراق و حوادث مترتب بر آن مانند ظهور گروه‌های تروریستی در خاورمیانه، حضور متعارض آمریکایی‌ها در منطقه را رقم زد. عقب نشینی از مناطق شمال و شمال شرق سوریه و انفعال در برابر عملیات‌هایی مانند شاخه زیتون و چشمه صلح ترکیه در اکتبر ۲۰۱۹، نمودی از تصویرسازی ژئوپلیتیک ایالات متحده آمریکا در حوزه‌های غیر استراتژیک می‌باشد. مبنای نظری این تحقیق تصویرسازی و گفتمان ژئوپلیتیک تاریخی آمریکا است که با واکاوی تاریخی از ساختار گفتمانی و ژئوپلیتیک این کشور، دلایل حضور و تناقض گفتمانی این تصویرسازی در شمال سوریه و عقیم بودن گفتمان تاریخی آن را ترسیم می‌نماید.

واژگان کلیدی: ایالات متحده آمریکا، شمال سوریه، کردهای سوریه، تصویرسازی ژئوپلیتیک، بینش ژئوپلیتیک

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه پیام نور

* نویسنده مسئول: hatami5@gmail.com

مقدمه

سیاست‌های متناقض در سیاستگذاری خارجی آمریکا در خاورمیانه و مشخصاً سوریه که متأثر از راهبردهای امنیت ملی آمریکا می‌باشد، مولود تصویر سازی ژئوپلیتیکی این کشور که ریشه در تاریخ رسالت گونه این کشور دارد، می‌باشد. منطقه شمال سوریه نیز به عنوان یکی از مناطق مطمع نظر آمریکا با هژمونی حزب اتحاد دموکراتیک از مناطقی است که حساسیت گروههای محلی، ملی و فرامنطقه‌ای را برای کنش در آن میدان بر انگیخته است. با توجه به پیوستگی جغرافیایی کردهای سوریه که از کانتون جزیره شروع و به کانتون عافین در نزدیکی دریای مدیترانه ختم و مرزهای جنوبی کشور ترکیه را نیز شامل می‌شود، حضور گروههای تروریستی مانند داعش و منابع انرژی و دریای آزاد، شمال سوریه را تبدیل به محلی برای چانه زنی آمریکا با رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نموده است. گرچه ترامپ خروج نیروهای آمریکا را در این منطقه اعلام نموده است ولی به نظر می‌رسد کارگزارانی جدید و از جمله کردها به عنوان سوژه‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی، اهداف آمریکا را در شمال سوریه همچنان، عملیاتی نمایند. بنابراین می‌توان عنوان نمود که عدم چشم پوشی بینش ژئوپلیتیکی آمریکا از واقعیت‌های محلی و تعامل با گروههایی مانند کردها ولو به طور محدود و دوفاکتو، سیاست امنیتی آمریکا را در آینده سوریه، شکل دهد. از سوئی علاوه بر سیاست متناقض آمریکا برای تعمیق دموکراسی و صلح در خاورمیانه که تبلور آن در سیاستگذاری امنیتی آمریکا در سوریه، نمود دارد، این کشور به صورت تاکتیکی در تعامل با کردها و قبایل عرب در آستانه تشکیل کارگزارانی بوده که آمال آمریکا را در شمال سوریه انجام دهند. گرچه این تعامل در بازه‌های زمانی متفاوت، نتایج و راهبردهای متفاوتی داشته که آخرین آن تنها گذاشتن متحدان محلی در حمله ترکیه با عنوان عملیات چشمه صلح به کردهای سوریه در اکتبر ۲۰۱۹ است. فرضیه این مقاله تدقیق تصویر سازی ژئوپلیتیکی آمریکا در شمال سوریه با استفاده از گفتمان ژئوپلیتیکی و تاریخی ایالات متحده، تناقض در این گفتمان و بی‌اعتمادی سوژه‌ها و ساختارهای فعال در بحران سوریه می‌باشد.

مبانی نظری: تصویر سازی ژئوپلیتیکی آمریکا در شمال سوریه

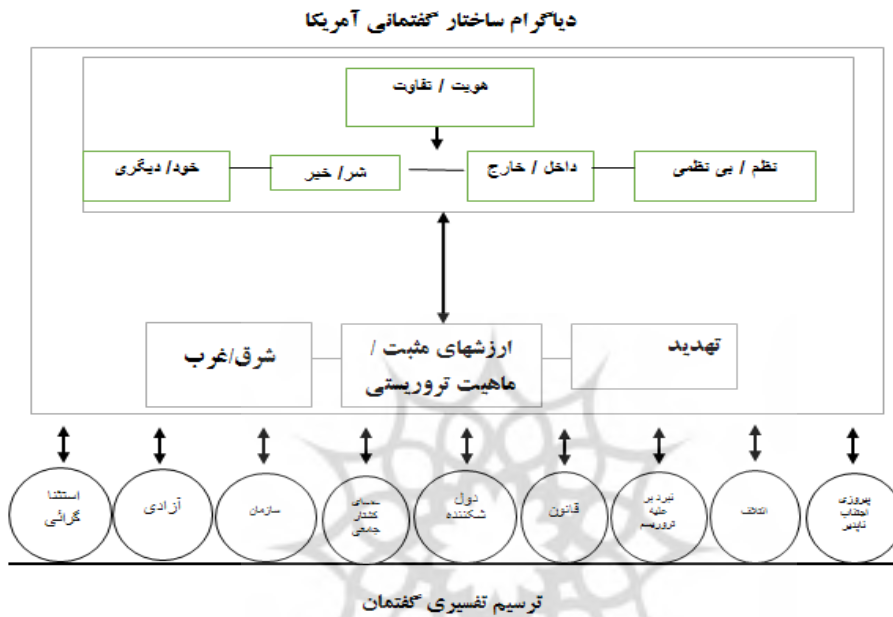
در دهه‌های اخیر و در ارتباط با تصویر سازی ژئوپلیتیک و سیاستهای امنیتی و خارجی دولت‌ها، منافع دائم‌التزایدی دیده می‌شود. مکاتب ژئوپلیتیک انتقادی از این سیاستها که در برگیرنده مؤلفه‌های مذکور است به عنوان تصویر سازی ژئوپلیتیک یاد می‌کنند (Gunev and Gukcan, 2010, 25). عالمان ژئوپلیتیک پست مدرن، تصویر سازی ژئوپلیتیک را نگاه سازه‌انگارانه به جهان می‌دانند (Agnew, 2004, 1). از سوئی به خاطر فهم چرایی و چگونگی شکل بندی تصویر سازی ژئوپلیتیک، نیاز به شالوده شکنی از مفاهیم کلاسیک ژئوپلیتیک، داده‌ای اساسی است. در این نگاه تصویر سازی ژئوپلیتیک یا نگاه سازه‌انگارانه به جهان، بازتابی از بینش ژئوپلیتیک یک کشور است. گرچه باید عنوان نمود تصویر سازی ژئوپلیتیک مفهومی بسیار گستره از بازنمایی کشورها در خصوص محدودیت‌های قلمروئی، کدهای ژئوپلیتیک و ماموریت‌های ملی کشورها می‌باشند. به طور کلی می‌توان تصویر سازی ژئوپلیتیک را بازتابی از بینش ژئوپلیتیکی یک کشور دانست که شامل کدهای ژئوپلیتیکی و مأموریت ملی است (Newman & Peters, 2002, 1-4). بینش ژئوپلیتیکی نیز عنصر اصلی و تعیین کننده کیفیت تصویر سازی ژئوپلیتیکی است که هدف نهائی آن حفظ پرستیژ و تهاجم مشروع می‌باشد (Dijing, 1996, 146). این دو مفهوم اصلی با مفصل بندی خاص، کد ژئوپلیتیک را بوجود می‌آورند که این کد به دولت‌ها اجازه می‌دهد که تحلیلی چند بعدی از گزینه‌های سیاستی در خارج و داخل را ارائه دهند. دینامیزم این کدها، برآیندی از تعامل سیاست داخلی و بافت جهان در حال تغییر می‌باشند. قدرت بیشتر یک دولت در سلسله مراتب بین الملل با توانائی ساختن کدهای ژئوپلیتیکی آن کشور و در مقیاس‌های منطقه‌ای و جهانی در ارتباط و در نوسانات سیاست خارجی کشورها بسیار مهم می‌باشد. هر دولتی کدهای ژئوپلیتیکی خود را دارد و اساساً کدهای ژئوپلیتیک زمان و فضا را تغییر و این فضا و مکان منجر به توسعه کدها می‌گردند. از سوئی این عوامل سیاسی و تاریخی هستند که ارتباط دولت را با گفتمانها بوجود می‌آورند، در نتیجه این عوامل تولید کننده کدهای ژئوپلیتیکی می‌باشند. کدهای ژئوپلیتیک مانند گفتمانها پایدار نبوده و دائماً از دال به مدلول در حال حرکتند، اما در عوض به طور مستمر در پاسخ به رویدادهای در حال

تحول کارگزاران تأثیر گزار هستند. این فرآیند نمی‌تواند از مقیاس‌هایی که در آن تحول رخ می‌دهد، حذف گردند. در مورد ایالات متحده آمریکا باید عنوان نمود که آنها در مقیاس ملی و جهانی، کدهای خود را توسعه می‌دهند که این توسعه محصول فعال عوامل مقیاس‌های مذکور است (Ray, 2007, 100). این عوامل غیرقابل تغییر از تغییر موقت هستند و بنابراین کدها در بافت‌های سیاسی بلند مدت دولت جای گرفته‌اند. هشت گفتمان که آمریکائی‌ها در ساختن کدهای ژئوپلیتیک خود به آن استفاده می‌کنند شامل هویت / تفاوت، نظم / بی‌نظمی، داخل / خارج، شرق / غرب، خود/دیگری، مثبت / منفی، خیر / شر و دیگری می‌باشد (Ray, 100-150). تسلط گفتمانهای دوگانه فوق تفاسیری را به نخبگان سیاسی آمریکا می‌دهد که ویژگی‌های دوگانه رفتاری پر قدرتی داشته باشند. هریک از این گفتمانها در تعامل با تقویت دیگری است. به طور کلی گفتمان دو گانه، ایده مرکزی درک ژئوپلیتیکی ایالات متحده آمریکا در دنیا می‌باشد که بی‌نظمی، خارج، شرق، دیگری، شر، منفی و تهدید را کدهای ناامنی ژئوپلیتیکی خود می‌داند. سازه‌های هویتی آمریکا از "خود"، ریشه در تاریخ و ایدئولوژی استعمارگران دارد که ریشه در پیوریتانیسم دارد. مرثیه پیوریتین‌های آمریکائی، آئین یک فرهنگ در خصوص یک مأموریت است که می‌گوید یک فرهنگ، مبتنی بر ایمان به یک فرآیند است که یک غایت را به جای سلسله مراتب می‌نشانند و آرمانهای یک جهان در حال سکون را به کنار و چشم انداز یک دنیای جدید را خلق می‌نماید (Bercovitch, 1978, 23). از فراز فوق می‌توان نتیجه گرفت که ملت آمریکا توسط خداوند انتخاب و دارای یک مأموریت در یک سرزمین مقدس می‌باشد. او می‌گوید که اهمیت سرزمین مقدس در ارتباط با سرزمینهای دیگر است که مقدس نیستند، بنابراین تاریخ مقدس آمریکا به معنای تدریجی سرزمینهای دیگر است (Ibid, 178). با توجه به نکته فوق مفهوم بیانیه سرنوشت، ظهور پیدا کرد. این مانیفست در برگیرنده اعتقاد به خدادادی بودن سرزمین آمریکا به عنوان مردم و کشور و نقش آن برای گسترش فضیلت که ابتدا گسترش سرزمینی خود کشور و سپس جهان است، می‌باشد. کدهای جدید ژئوپلیتیکی آمریکا در خاورمیانه پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی نه ایدئولوژیک بلکه هژمونیک است که عنصر اصلی آن، جنگ بر علیه تروریسم بوده و در استراتژی

امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۰۲ با تصویر سازی ژئوپلیتیک، جهان را به دو بخش دوستان و دشمنان تقسیم نمود (Bush,6 november,2001). اما کد ژئوپلیتیکی جدید آمریکا یعنی " جنگ بر علیه تروریسم " شامل یک پروژه فرا قلمروئی بود که برای جامعه جهانی فاقد توجیه و دکترین بوش در این راستا این موضوع را تئوریزه و بر " آوانجلسیم دموکراتیک "، تاکید نمود. با این وصف، آمریکا یک قدرت هژمونیک استثنائی با پیوستگی بسیار به بسط ارزشهای دموکراتیک است که این ارزشها باعث ارتقاء ارزشهای جهانی لیبرال دموکراسی آمریکایی از طریق اشاعه قدرت نظامی و سیاسی، تضمین می شود (Hurst,2005,77). اما همانگونه که فلینت بیان می دارد، پروژه خاورمیانه بزرگ و جنگ بر علیه تروریسم با هدف توجیه حضور آمریکا در منطقه و در دو بعد نرم و سخت و برای جلوگیری از تقلیل نقش هژمونیک آمریکا بوده است (flint & falah, 2004, 1379-99). ولی باید توجه نمود که همین توجیه، بخش کلیدی از یک کد ژئوپلیتیک می باشد. بنابراین ایجاد منطقه خاورمیانه بزرگ یک تصویر سازی ژئوپلیتیکی مبتنی بر یک فرضیه مدرن و در دولت بوش بود و به رویکرد رئالیسم تهاجمی بسیار نزدیک (Guney & Gokcan,2010, 31). هدف این رویکرد نیز جلوگیری از ظهور رقیب و یا ترکیبی از رقبای جدی برای ایالات متحده در منطقه خاورمیانه بود (Agnew,2003,123). استراتژی بوش با همان کیفیت در دوره اوباما نیز ادامه یافت با این تفاوت که نگاه اصلی از عراق به سوی پاکستان و افغانستان، تغییر یافت (Guney & Gokcan,34).

جدول شماره ۱. کدهای ژئوپلیتیکی ایالات متحده آمریکا (گفتمان تاریخی) (Ray, 2007,134)

جهانی	ملی
توسعه طلبی/مداخله گرایی	بیانیه سرنوشت
انزواگرایی	فردگرایی
تهدید آلمان/ژاپن	جمهوری خواهی
تهدید شوروی	آزادی
	استثناگرایی



شکل شماره ۱. دیاگرام ساختارگفتمانی آمریکا (Ibid,176)

آمریکا و شمال سوریه

گرچه رئیس جمهور ایالات متحده در ۶ اکتبر ۲۰۱۹ میلادی و تنها چند روز قبل از حمله ترکیه به شمال سوریه در تماس تلفنی با اردوغان، دستور عقب نشینی نیروهای آمریکا از مرزهای مشترک با ترکیه را به سربازان آمریکایی مستقر در شمال سوریه اعلام و با گفتن استراتژی نظامی آمریکا یعنی اجتناب از جنگهای بی پایان، راهبرد جدید آمریکا در سوریه را اعلام نمود ولی به طور کلی، برنامه آمریکا برای حضور نظامی در شمال سوریه به سه دلیل اصلی، یعنی: جلوگیری از حضور دوباره داعش، تأثیر حداکثری در دوران انتقال قدرت و جلوگیری از دسترسی ایران به مدیترانه، می باشد (balance, 2017). گرچه می توان تقابل با هژمونی روسیه و رسالت تاریخی این کشور در محافظت

از اسرائیل را نیز به آن افزود. برای همین علت است که آمریکا دو هزار سرباز خود را در حمایت از نیروهای سوریه دموکراتیک و یگانهای خلق کرد در منطقه شمال سوریه مستقر نموده است. تصمیمی که ترکیه همیشه با آن مخالفت نموده است. از سوی دیگر بدون حمایت ترکیه، استراتژی آمریکا بر علیه ایران و سوریه به صورت جدی با چالش مواجه می‌شود. ولی با حمله ترکیه به یگانهای خلق کرد، آمریکا نیز یک کارگزار اصلی محلی خود را در سوریه از دست خواهد داد. تهاجم ترکیه به کردهای سوریه نیز دو پیامد مهم دارد، توقف مبارزه کردها بر علیه داعش و تقویت مجدد این گروه در دیر الزور و احساس خیانت کردها نسبت به سیاست آمریکا و تنها گذاشتن مبارزان کرد در شمال سوریه، خیانتی که آنها را در مقابل ترکیه و در کانتون عافرین، تنها گذاشت، چرا که کردها دائماً، اصرار دارند که آنها بخشی از ائتلاف با آمریکا در نبرد با داعش هستند (Ahmad, 2017). از سوئی ترکیه نیز مشکلی دائم التزاید با آمریکائیان و حمایت آنها از کردهای شمال سوریه دارد. ترکیه نمی‌خواهد قربانی آرمانگرایی غربیان و مفاهیمی مانند حق تعیین سرنوشت مندرج در منشور سازمان ملل شود (Balanchi, 2018, 3). با این نگاه، هدف آمریکا از استفاده از کردها، اهرمی بر علیه رژیم اسد و ایران است، زیرا خروج آنها از ائتلاف با آمریکا، این نیروها را به سوی ایران و روسیه سوق خواهد داد (Ibid, 7). گرچه باید عنوان نمود تاریخ سیاسی کردها همیشه با نگرش چپ و سوسیالیستی همراه و ائتلاف آمریکا با کردها نیز تاکتیکی بوده است، بنابراین کردهای چپ گرای سوریه، بخشی از قلمرو ایدئولوژیکی چپ گرا هستند، همانطور که در مانیفست حزب کارگران کردستان ترکیه، گرایش به مارکسیسم / لنینیسم به وضوح دیده می‌شود. با این وجود وزیر امور خارجه آمریکا در ژانویه ۲۰۱۸، اعلام نمود که نیروهای آمریکا تا سال ۲۰۲۱ در شمال سوریه باقی خواهند ماند (Tillerson, 2018)، گرچه با سیاستهای شکننده و عقیم آمریکا در سوریه، ترامپ با برکناری او پایان حضور نیروهای آمریکا در سوریه را اعلام نمود. ((The Wall Street Journal, December 19, 2018)). شاید بتوان عنوان نمود، همراستا با سیاستهای اسرائیل، حضور استراتژیک نیروهای آمریکایی در شمال سوریه و گذرگاه التنف در جنوب سوریه، بزرگ‌ترین محدودیت بر علیه ایران برای دسترسی به کریدور مدیترانه است. در صورتی که تعقیب کریدور



مدیترانه برای ایران، عمیقاً وابسته به معضل دگرگونی است. کریدور ایرانی مدیترانه به مثابه یک هلال شیعی نیاز به یک بازمهندسی دموگرافیک دارد و تغییر در دموگرافی مناطق شمال غرب عراق و شرق سوریه با جمعیت غالب عرب سنی، مشکلات فرقه‌ای آینده منطقه را رقم خواهد زد (Balanch, 2018, 9). آمریکا همسو با منافع اسرائیل از گزینه‌های مانند سوریه منسجم و سوریه با اسلام سیاسی در هراس و برای گسست در این نحله‌ها، با نگاهی ابزارگرایانه در کوتاه مدت از کردها دفاع می‌نماید. بنابراین یک دموکراسی سکولار و تعمیق شکافهای قومی در حال حاضر گزینه مطلوب آمریکا در سوریه می‌باشد. اما خواتش سیاست روسیه در سوریه و مشخصاً مناطق کردنشین، بعدی ژئوپلیتیکی دارد که علاوه بر فشار بر علیه ترکیه توسط کردها، خواهان دسترسی آسان به سواحل مدیترانه‌ای و منطقه شامات است. به علاوه فعالین کردستان سوریه طرفدار یک دموکراسی لیبرال و حقوق بشری‌اند و در پی جستجو حمایتی میان روشنفکران غربی و نهادهای حکومتی هستند. (sofie, 2017, 18) و این موضوع، باعث سمپاتی نیروهای غربی از آنها شده است. پس از اعلام رسمی ترامپ، مبنی بر خروج سربازان آمریکائی از سوریه، می‌توان تبعات ذیل را برای این خروج، ترسیم نمود:

- این تصمیم، روابط درون/ برون گروهی نیروهای محلی در سوریه را به سوی سیاستهای جدید، بازتعریف می‌نماید

- گشودن مسیر جدیدی برای ترکیه و اپوزیسیون همراه با آن جهت حمله به یگانهای دفاعی کرد

- تغییر در دموگرافی و جغرافیای منطقه شمال سوریه بر علیه کردها

- تغییر فضای ذهنی مبارزان کنشگر در درون جریان قوای سوریه دموکراتیک جهت مبارزه مجدد با تروریستهای مانند داعش

- احتمال نزدیکی کردها به حکومت بشار اسد، بر علیه ترکیه و اپوزیسیون سوریه (Yesltash, 2018, 3).

از سوئی مواضع دوگانه آمریکا در قبال حمله ترکیه به شمال سوریه، کاملاً محسوس است به طوری که نمایندگان کنگره آمریکا طرحی برای اقدام ترامپ در شمال سوریه را در کنگره مصوب نموده‌اند. این مواضع شبیه سیاستهای متناقض ترامپ و دولت کنونی

ایالات متحده است که از سوئی موافقت ضمنی خود را نسبت به حمله به شمال سوریه اعلام و از سوی دیگر حمایت خود را از کردها و مخالفتش را با این حملات نشان می‌دهند. این تضاد و تناقض و ابهام آفرینی در سیاستهای خاور میانه‌ای یکی از ویژگی‌های دولت کنونی آمریکا و ترامپ است. ترامپ در ۱۱ اکتبر ۲۰۱۹، اعلام کرد که آمریکا ۳ گزینه پیش رو را در خصوص حمله ترکیه به شمال سوریه را دارد « ارسال نیروی نظامی و درگیری با ترکیه، تحریم مالی و اقتصادی ترکیه و میانجیگری بین ترکیه و کردها که البته گزینه سوم مطلوب آمریکا است (Trump, October 11, 2019). علی‌رغم اختلافاتی که میان آمریکا و ترکیه در خصوص مسائل منطقه‌ای به ویژه درباره شمال سوریه وجود دارد، حمله ترکیه به کردها نشان داد که نگاه هم سوئی در این خصوص وجود دارد. و حتی می‌توان گفت، آمریکا و روسیه نیز هر یک با سیاستهای ترکیه همسو هستند. کاخ سفید پس از تماس تلفنی ترامپ و اردوغان اعلام کرد نظامیان آمریکایی از شمال سوریه خارج خواهند شد. (Kingsley, 14 October, 2019). اقدامی که چراغ سبزی برای ارتش ترکیه در حمله به شهروندان کرد سوریه است. از سوی دیگر روسیه که همواره مدعی ثبات در سوریه است، اعلام کرده تنها درخواستش از ترکیه عدم نقض تمامیت ارضی سوریه است و حمله نظامی به کردها را درک می‌کند. گرچه می‌توان عقب نشینی آمریکا از شمال سوریه را راهبردی کم هزینه برای درگیری سایر قدرتهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای دانست. آمریکا با اعلام خروج نیروهای خود از سوریه، فضا را برای کنشگری ترکیه در شمال سوریه بیشتر می‌کند. افزایش اقدامات و کنشهای ترکیه در شمال سوریه می‌تواند منجر به شکاف میان ترکیه و ایران و روسیه شود. در واقع، گسترش عملیاتهای میدانی ترکیه در سوریه دور از انتظار نخواهد بود که بار دیگر تنش‌هایی میان آنکارا و مسکو و تهران به وجود خواهد آمد که مطلوب آمریکا است.

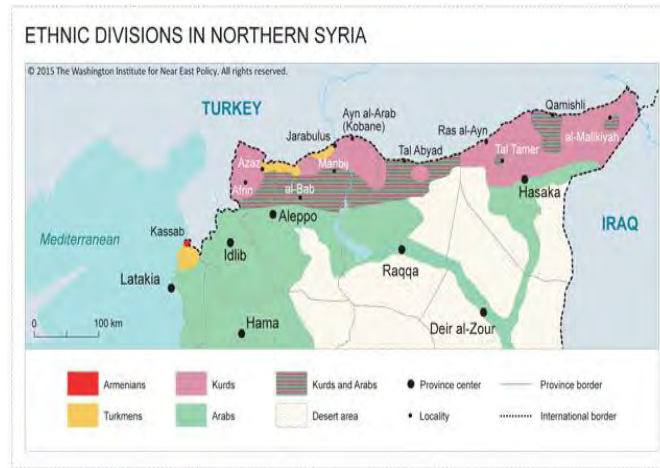
فضاهای تجزیه شده و ناسیونالیسم سرزمینی کردهای سوریه

فضاهای تجزیه شده و مناطقی که جمعیتی مختلط از اقوام و مذاهب مختلف را در شمال سوریه در خود جای داده‌اند، همواره واجد گسست قومی و سرزمینی می‌باشند، بنابراین بازی در این میدانها، می‌تواند سیاستی کارآ در قلمروخواهی سرزمینی، باشد. از



سوئی، توجه به مقوله فضا به عنوان یک سرمایه استراتژیک در نگاه پست مدرن، اولویت سیاستگذاری جغرافیایی کشورها می‌باشد. (حاتمی، ۱۳۹۶) بنابراین رصد فضاهای آنارشیک قومی / سرزمینی، قسمتی مهم را در سیاستهای ژئوپلیتیکی کشورها، ایفا می‌نماید (عبداله پور و حاتمی، ۱۳۹۶، ۸۵). شمال سوریه به عنوان یک فضای تجزیه شده که همراه با گسست جغرافیایی و قومی و حضور حداقلی رقبای منطقه‌ای است، بستری مناسب برای سیاستهای آمریکا در این منطقه است، چرا که سیاستگذاری منطقه‌ای آمریکا بر شکاف‌های قومی و ژئوپلیتیکی نه تنها در شمال سوریه بلکه در خاورمیانه، بنا نهاده شده است. در تنقیح فضای تجزیه شده (separated space)، باید گفت که این فضاهای تجزیه شده، نتیجه دولت ملت‌های شکننده خاورمیانه‌ای حاصل از مرزهای مصنوعی خاورمیانه‌ای می‌باشد که مرزهای هویتی ناپایداری دارند. کولوسف و اولوگلین، ضمن اینکه از شبه دولت‌ها به عنوان منادیان ژئوپلیتیک پست مدرن به جهت گفتمانی بودن آن یاد می‌کنند بر این باورند که حفره‌های تاریک شبه دولت‌ها (pseudo state)، غالباً در محل تلاقی بین امپراطوریهای سابق و تمدن‌ها و نیز نواحی که جمعیتی مختلط با پیچیدگیهای خاص قومی را دارند رخ می‌دهند. (Kolosov, O'Loughlin, 1998, 56.) از سویی فضاهای تقسیم شده، نگرش‌های تقسیم شده را به دنبال خود می‌آورند (O'Loughlin, 2013, 1). بنابراین در اختیار گرفتن فضا و انسجام فضائی برای کردهای سوریه یک نگرش واحد هویتی و اجماع را به همراه می‌آورد که یکی از ترجیحات اصلی در فضای داخلی مناطق کردنشین سوریه جهت سیاستهای بعدی آنان خواهد بود. به طور کلی فضاهای تجزیه شده مناطق مختلف خاورمیانه و مشخصاً مناطق شمالی عراق و سوریه، توأمأ ابعادی مذهبی / ژئوپلیتیک نیز دارند. دیجینگ، معتقد است که مذهب و ژئوپلیتیک با یکدیگر در هم آمیخته‌اند و بینش مذهبی در مسیحیت و اسلام به مثابه سرزمین مقدس و جنگهای مقدس، جلوه‌ای از یک ویژگی ژئوپلیتیک می‌باشند (Dijing, 2006, 192). خاورمیانه به عنوان نمود این تحول و خیزش اسلامی رادیکال و قلمروخواهی در بستر خود دائماً همپوشانی مذهبی و ژئوپلیتیکی را با خود به همراه دارد. بنابراین کردهای سوریه با اتصال ابعاد قومی و ژئوپلیتیکی، در پی عملیاتی نمودن گفتمان ژئوپلیتیک خود در فضاهای تجزیه شده

شمال سوریه و اتصال مناطق منفک شده جزیره، کوبانی و عافین می‌باشد که در صورت عملیایی شدن این موضوع، کردهای سوریه را می‌توان برندگان ژئوپلیتیک، بحران سوریه نامید. گرچه ترکیه و اعراب سنی، معارضین اصلی کردها در این خصوص می‌باشند. از سوئی، در خصوص کرد فویبای ترکیه باید عنوان نمود که پروژه حزب اتحاد دموکراتیک یک پروژه کردی است که قسمتی از استراتژی حزب کارگران کردستان بر علیه ترکیه است. گرچه تا کنون هیچ عملیاتی از منطقه کردستان سوریه و پایگاههای نظامی آنان بر علیه ترکیه نشده ولی تمام تلاش کردهای سوریه دسترسی به دریای مدیترانه از راه دسترسی کانتونها به این کریدور مهم است، موضوعی که غیر واقعی ولی بخش اعظم یوتویبای حزب کارگران کردستان را در بحران اخیر سوریه به خود اختصاص داده است. در نگاه پست مدرن، ناسیونالیسم به عنوان یک ایدئولوژی ذاتاً سرزمینی محسوب می‌شود (Anderson, 1988, 18). با این نگاه، ناسیونالیسم، پایگاه اصلی گفتمانهای ژئوپلیتیک از طریق سازه‌های قلمروئی می‌باشند. ویلیام و اسمیت بر این اعتقادند که ناسیونالیسم، مبارزه‌ای همیشگی برای کنترل سرزمین است. (William & Smith, 1982, 502). گرچه ناسیونالیسم معمولاً به عنوان پیگیری خود مختاری ملی تعریف شده است ولی در تعاریف غنی‌تر به عنوان یک طرح اقدام جمعی برای ارائه مرزهای یک کشور و سازوار با واحدهای حکمرانی، تبیین می‌گردد (Hechter, 2000, 7). از منظر گفتمانی نیز، ناسیونالیسم به عنوان یک عمل گفتمانی دولت - ملت که در یک قلمرو مستقل و متجانس با سرزمین ملی است در نظر گرفته می‌شود. (عبداله پور، ۱۳۹۵). واژه سرزمین ملی نشان می‌دهد که هویت‌های ملی، نسبتاً مشتق از قلمرو و حس قوی ملت‌ها را برای یک قلمرو خاص نشان می‌دهند (White, 2000, 28). بنابراین باید نشان داد که چگونه ناسیونالیسم، یک گفتمان ژئوپلیتیک را برای دولت - ملت‌های ضعیف از طریق سازه‌های قلمروئی بوجود می‌آورد. نقشه‌های ذیل (شکل ۱) فضاهای تجزیه شده و تلاش کردهای سوریه را برای پیوستگی جغرافیایی و اتصال مناطق کردنشین و تلاش ترکیه برای کریدور امنیتی به عمق ۳۰ کیلومتر در شمال سوریه را نشان می‌دهد.



یگانهای خلق کرد در شمال سوریه و هژمونی سیاسی

در ابتدا باید عنوان نمود، اقتدارگرایی، عدم تحمل سایر احزاب گُردی، اخذ مالیات اجباری، تبعیض نژادی و قومیتی، استفاده از کودکان و نوجوانان به عنوان نیروی نظامی در میدان جنگ با داعش و سایر اقدامات یکجانبه و منفی باعث شد تا سوء ظن نسبت به نیت و اقدامات یگانهای خلق کرد افزایش یابد. نواحی کنترل شده توسط نیروهای سوریه دموکراتیک با هژمونی حزب اتحاد دموکراتیک، جمعیت ۴/۶ میلیون و ۳۵/۰۰۰ هزار کیلومتر مربع را پوشش می‌دهد. (Spye, 2018,8). اکثر جمعیت در کریدور تحت تسلط این نیروها را کردها به همراه اعراب و سایر اقلیتها تشکیل می‌دهند. بنابراین با

توجه به تفوق یگانهای خلق کرد هزمونی سیاسی و نظامی نیز با تشکلهای کرد می‌باشد، موضوعی که باعث پیوستن قبایل عرب به یگانهای خلق کرد به علت در اختیار داشتن پول و زمین شده‌است. یگانهای خلق کرد، مسئول توزیع زمینها بین کشاورزان خرده پا می‌باشد و این عامل اصلی پیوستن اعراب و کردها به یگانهای خلق کرد می‌باشد. (Balanch,2018). گرچه اعراب ساکن دره فرات و منبیج بر علیه شوراهای کردی معترضند به طور مثال قتل دو نفر از قبیله (بو انسا) قبیله اصلی در شهر منبیج، اعتراضات گسترده‌ای را در قلمرو نیروهای سوریه دموکراتیک در سال ۲۰۱۷ بوجود آورد. بنابراین به نظر می‌رسد اگر کردها در مناطق شمالی سوریه دست به تسهیم قدرت نزنند، مشاجرات قومی سیر صعودی خواهد داشت. با این تفاسیر تغییر ساختار و بافت قبایل سنتی اعراب و کردها برای عمق بخشی به قدرت یگانهای خلق کرد در دستور کار آنها قرار دارد. در این راستا باید عنوان نمود که مشارکت یگانهای خلق کرد در تهاجم به داعش در مناطق جنوبی دره فرات به علت عدم حضور کردها، توجیه ای ندارد. مادامیکه در رقه، به علت حضور کردها در این شهر، توجیه پذیر است. بنابراین، یگانهای خلق کرد، منافع راهبردی در دیالزور به علت میداین بزرگ نفتی مانند میدان العمر که ۵۰ درصد نفت سوریه را تشکیل می‌دهد. داشته و حضور آنها در مناطف جنوب شرق فرات، توجیه اقتصادی دارد. نظر به تأثیر گذاری فراوان قبایل عرب سنی در تعارض و تعامل با حکومت مرکزی، همچنین درگیری آنها با کردهای سوریه که بر سر قلمرو خواهی و در مناطق با جمعیت مختلط عرب/کرد، صورت می‌گیرد در جدول ذیل، صورت بندی سیاسی این قبایل، نشان داده می‌شود.

پیوستار قبایل سنی عرب در خصوص بحران سوریه (جدول ۲)

قبایل مناطق جنوبی		قبایل مناطق مرکزی		قبایل مناطق شمالی و شرقی	
fadl	شکاف	Aneza		Aneza	
al-Zoubi55	شکاف	*Hasanah	شکاف	*Fad'an	وفادار
al-Hariri56	اپوزیسیون	*Sba'ah	سکوت	Al-Jabbur	وفادار
al-Masalmeh	اپوزیسیون	Turki	اپوزیسیون	al-Mashahdeh	سکوت

Nu'im	اپوزیسیون	Bani Khaled	شکاف	Busha'ban	شکاف
		Fawa'ira	اپوزیسیون	Tay	وفادار
		Aqaydat	شکاف	(Shammar*گروهی از قبائل وابسته):	
		Hadidiyn	وفادار	*Al-Khursah	اپوزیسیون
		Mawali	سکوت	Al-Aslam	اپوزیسیون
		Nu'im	اپوزیسیون		
		Bushakim	سکوت		

همانطور که عنوان شد حضور آمریکا در شمال سوریه به علت درگیری با رقبای جدی منطقه‌ای مانند ایران و روسیه می‌باشد. و این در حالی است که علاوه بر متغیر فرا ساختاری مانند روسیه که تضادی وصف ناپذیر با آمریکا دارد، ساختارهای منطقه‌ای مانند ایران و ترکیه با هر گونه دخالت آمریکا در منطقه مخالف و کارگزاران و زیر سیستم‌های آنها نیز به علت تعارض تصمیم‌گیری و نامشخص بودن سیاستهای آمریکا در شمال سوریه، ایالات متحده را متهم به خیانت می‌کنند.

سطوح تحلیل و متغیرهای درگیر در بحران شمال سوریه: (جدول ۳)

ملاحظات	متغیرهای درگیر در بحران شمال سوریه	سطوح تحلیل
برقراری دموکراسی سکولار بی‌اسد - نگاه ابزار گونه به کردها در جنگ علیه داعش	- آمریکا	فرا ساختار
برقراری دموکراسی سکولار با اسد (کوتاه مدت) - حمایت حداقلی از شوراهای منطقه‌ای	- روسیه	

ساختار	- ایران	ماندن اسد، مخالفت با واگرائی سرزمینی توسط کردها
	- ترکیه	حمایت از رفتن اسد، بالا رفتن وزن مؤلفه سنی، مخالفت با هرگونه ارتقاء کردها
کارگزار	- حزب کارگران کردستان ترکیه	برقراری ساختار کنفدرال
	- حزب دموکرات کردستان عراق	برقراری ساختار فدرال بر پایه مدل KRG
زیر- کارگزار	PYD	زیر- سیستم PKK و حامی کانتونهای خود مختار
	KNC	حامی برکناری اسد و زیر- سیستم بودن برای بارزانی

جغرافیای سرزمینی و هویتی کردستان سوریه

متعاقب حمله داعش و عقب نشینی نیروهای وفادار به دولت مرکزی سوریه از نواحی شمال سوریه، منطقه‌ای با حساسیت جغرافیایی خاص به نام کردستان سوریه و هویتی جدید به نام کردهای سوریه در نقشه‌های قومی و جغرافیایی خاورمیانه بوجود آمده است. این مناطق به عنوان یکی از مناطق ناشناخته و بکر در شمال غربی مزوپوتامیا و شمال و شمال شرقی سوریه، به دنبال بحران داخلی در سوریه، تشکیل کانتونهای خودمختار کردی و انقلاب "رژواوا" یا منطقه شمال سوریه که وارد ادبیات مطالعات منطقه‌ای شده است، در حال حاضر بخشی مهم از تعارضات سرزمینی و هویتی را در سوریه تشکیل داده است که این تعارض را می‌توان علاوه بر متغیر داخلی، مولود سیاستهای عوامل فرامنطقه‌ای مانند ترکیه، روسیه و آمریکا دانست. در خصوص ترکیه باید عنوان نمود تمامی سیاستهای ترکیه در سوریه، ابعاد کردی دارد، چرا که هرگونه گشایش سیاسی و بسط ژئوپلیتیکی کردهای سوریه در طول سیاستهای حزب کارگران کردستان ترکیه و کردهای ترکیه و بزرگترین خط قرمز امنیتی ترکیه می‌باشد. (عبداله پور، ۱۳۹۴). دو کنش گر فرا منطقه‌ای یعنی روسیه و آمریکا نیز کردستان سوریه و

نقشان در سوریه با اسد و بی اسد را یک عامل نفوذ در منطقه می‌دانند. بنابراین این واحد جغرافیایی جدید در پی قلمروخواهی و اتصال بین کانتونها و فضاهاى تجزیه شده خود می‌باشد. این موضوع نیاز به برجسته سازی و یک برندینگ جغرافیایی دارد که رسانه‌های جمعی کرد، توانسته‌اند این برند را با استفاده از یک گفتمان هویتی و سرزمینی و با شاخص‌های هویتی، سمبلیک و دیاسپورای کرد در اروپا، به منصفه ظهور برسانند. مدل برند سازی ژئوپلیتیک که جزء لاینفک مدیریت استراتژیک می‌باشد و پیش شرطی برای دستیابی به اهداف استراتژیک است، نوعی ویژه از برند و با هدف بازخوانش ژئوپلیتیک و توأم با تعارض و خشونت است. این نحله می‌تواند تحلیل جامعی را از شبه دولت‌ها و یا ساختارهای دو فاکتو، ترسیم بنماید. (عبداله پور، ۱۳۹۶) فراموش نکنیم مدل برند سازی ژئوپلیتیک بر بافت ژئوپلیتیک دولت ملت‌های ضعیف، علیه ساختار و له کارگزارهای جدید و بر روی گسل‌های تمدنی و سرزمینی رخ می‌دهد. کردها دومین گروه زبانی مهم در سوریه می‌باشند. منابع عربی، جمعیت کردها را تنها حدود ۵٪ جمعیت سوریه می‌دانند (<http://syriapop.wordpress.com>). در حالیکه ملیگرایان کرد این جمعیت را ۲۰٪ می‌دانند. مک داوول ۸٪ و بروینسن ۸٪ درصد را در آمارهای خود ذکر نموده‌اند (Bruinessen 1992. 15). از منظر جغرافیایی، جمعیت کردها در سه منطقه جدا از هم یعنی، عفرین، کوبانی و جزیره می‌باشد. از این تعداد ۳۰٪ در عفرین، ۱۰٪ در کوبانی و ۴۰٪ درصد در جزیره می‌باشد. (Gambill, 2014). خلاء بین این سه منطقه یکی از چالش‌های اساسی کردهای سوریه است، به طوریکه فاصله بین عفرین و کوبانی ۱۴۰ کیلومتر و فاصله بین کوبانی و جزیره ۱۶۰ کیلومتر است. گروه‌های قومی کرد بین این مناطق، ساکن می‌باشند. جمعیت اصلی کردها در سوریه در استانهای حسکه و حلب و نواحی شهری مانند دمشق، ساکن و جمعیت قابل ملاحظه‌ای نیز در زیر مناطقی مانند عامودا، قحطانیه، مالکیه، درباسیه، وجود دارند. در استان حلب، تقریباً ۴۰٪ کردهای سوریه در استان حلب که بالغ بر ۴ میلیون جمعیت دارد، زندگی می‌کنند، ساکنان کرد در این استان که دارای ۳۲ شهر و ۱۴۵۳ روستا می‌باشد ۱۵٪ جمعیت را تشکیل می‌دهند (<http://www.alp-city.org/aleppohistory.php>). کردها در قسمت شمالی استان و در منطقه عفرین و زیر منطقه کوبانی زندگی می‌کنند، بعلاوه در

شهر حلب و در دو محله اشرفیه و شیخ مقصود نیز برتری جمعیتی کاملاً با کردها است. شهر عافرین دارای زیرمنطقه و دارای ۲۶۳ روستا است که علاوه بر اکثریت جمعیت کُرد، دارای اقلیتی از اعراب و ترکمنها نیز می‌باشد. (<http://tirejafrin.com/index.php?page>). شهر کوبانی نیز در تقسیمات جغرافیایی در استان حلب قرار دارد. کوبانی دارای ۱۰۰ روستا، ۲۰۰ هزار نفر جمعیت و بال بر ۹۰/ جمعیت کرد می‌باشد (<http://en.firatajans.com/news/news>). در کوبانی قبیله برازی که در دو سوی مرز، اسکان دارند، قویترین تشکل را تشکیل می‌دهند. (Tajel, 2008,10). استان حسکه که استان کردنشین دیگر در سوریه می‌باشد در شمال شرق سوریه و در همسایگی ترکیه و عراق واقع شده است. استان حسکه دارای ۴ منطقه حسکه، مالکیه، قامشلو و رأس العین، و ۱۶ زیر منطقه، می‌باشد. منابع عربی، تعداد کردها را ۳۰/ جمعیت استان می‌دانند (<http://www.zengil.net/web/?p=18341>)، گرچه کردها این آمار را جعلی و بر این اعتقادند که با توجه به جمعیت زیاد ۷۰۰ روستای کردنشین، جمعیت غالب استان از آن کردها بوده و اقلیتی از اعراب مهاجر نیز در این استان وجود دارند. شهر قامیشلی، بزرگ‌ترین شهر کردها در سوریه بوده که حداقل ۷۰/ جمعیت شهر را کردها تشکیل می‌دهند. قامیشلی دارای ۳ زیر منطقه به نام عامودا، تل حمیس و قحطانیه بوده که بزرگترین تجمع کردها در عامودا می‌باشد. از تحلیل مناطق و زیر مناطق کردنشین در سوریه می‌توان، مضائق ژئوپلیتیک/ دموگرافیک کردها را در سه مورد، تشریح نمود: عدم پیوستگی قلمرو جمعیتی مناطق کردنشین، وجود جمعیت قابل ملاحظه غیر کرد در مناطق مورد مناقشه و حضور نیمی از کردهای سوریه در مناطق خارج از ۳ منطقه اصلی کردها در حلب و دمشق (عبداله پور، ۱۳۹۶). با این حال سوژگی ژئوپلیتیک جدید کردها با تکیه بر هویت برند، اجرا و کارکرد و مؤلفه‌های آنان مانند ارزش‌ها، نماد، ساختار حکمرانی، هویت، اسطوره‌ها و ادعای قلمروئی در صدد برند سازی ژئوپلیتیک و سرزمینی خود می‌باشند. (حاتمی و عبدالله پور، ۱۳۹۷)، چرا که برند سازی ژئوپلیتیک اولویت اساسی کارگزاران می‌باشد. پرسشی اساسی که "کالین فلینت" از پیشگامان ژئوپلیتیک پست مدرن، مطرح می‌نماید این نکته است که آیا کارگزاران ژئوپلیتیک واجد کدهای ژئوپلیتیک هستند و آیا مفهوم کد ژئوپلیتیک برای



فهم کنشگری کارگزاران ژئوپلیتیک، مفید می‌باشد؟. برای فهم بیشتر کارگزار ژئوپلیتیک نیاز به فهم کد ژئوپلیتیکی، ابزاری مفید است. فلینت معتقد است، کارگزاران نمی‌توانند آزادانه، کنش نمایند. اما آنها قادر به انتخاب می‌باشند، کارگزاران در ساختارها، اقدام می‌نمایند، ساختارها، کنش کارگزاران را محدود می‌نمایند، ساختارها، زیرساختی را برای کارگزاران آماده و فرصتهایی را برای دستیابی به اهداف در اختیار آنها قرار می‌دهند، یک کارگزار می‌تواند تبدیل به یک ساختار و بر عکس شود. گرچه می‌توان فهم فلینت را متأثر از نظریه رئالیسم انتقادی روی باسکار فیلسوف علم انگلیسی دانست. مقدمات منطقی رئالیسم انتقادی شامل:

- هر کارگزار انسانی تنها در رابطه با محیطهای از پیش شکل گرفته و عمیقاً ساختمند شده، شکل گرفته است

- چنین محیطهایی با تعیین سلسله شایستگیها ی بالقوه و پیامدهای مستقیم کنشها به طور همزمان محدود کننده و توانائی بخش کنشگرانی هستند که در آنها ساکن هستند.

اما نکته کلیدی در مباحث رئالیسم انتقادی، کنش راهبردی است که باید مطمع نظر کارگزاران باشد. کنش راهبردی عبارت است از تعامل دیالکتیک کنشگران صاحب اراده و آگاه ولی در عین حال محاط شده توسط ساختار و زمینه‌های از پیش شکل گرفته‌ای که آنها در آن ساکن هستند. هر چند کنشها درون محیطهای ساختمند شده تحقق می‌یابند، ولی کنشگران همه دارای ظرفیت تغییر آن ساختارها از طریق کنش‌هایشان می‌باشند که البته اینتاثیر کارگزاران بر ساختارها ممکن است عمدی و یا ناخواسته باشد. به طور کلی در نگرش رئالیسم انتقادی، " راهبردها در کنش، عملیاتی می‌شوند." (حاتمی و عبدالله پور، ۱۳۹۷) همانطور که عنوان شد، حفره‌های تاریک شبه دولت‌ها (pseudo state)، غالباً در محل تلاقی بین امپراطوریهای سابق و تمدن‌ها و نیز نواحی که جمعیتی مختلط با پیچیدگیهای خاص قومی را دارند رخ می‌دهند. بنابراین در ابتدای امر، برند سازی ژئوپلیتیک، رکن رکن کد سازی ژئوپلیتیکی کارگزاران می‌باشد. استنتاج بحث فوق، اثبات دیگری برای هر دو مؤلفه می‌باشد. برای شبه دولتها و کارگزاران ژئوپلیتیک با توجه به شکننده بودن بعد سرزمینی و هویتی ساختارگریز، تبیین و تفسیر این کدها مشکل است ولی با توجه به ضعف ساختارها و شناور بودن کدهای

ژئوپلیتیکی، کارگزاران، درصدد تعریف و عملیاتی نمودن کدهای ژئوپلیتیکی در سطوح مختلف می‌باشند. بنابراین سوژه‌های ژئوپلیتیک، منافعشان را از طریق گفتمانهای هویتی و برند سازی ژئوپلیتیک در فضاهای تجزیه شده در تعامل و تقابل با سایر کدها، جلو می‌برند، چرا که کدهای ژئوپلیتیک همانند گفتمانها، پایدار نبوده و دائماً از دال به مدلول در حال حرکتند. (عبداله پور، ۱۳۹۷)

عوامل تأثیر گذار بر کدهای ژئوپلیتیکی کردهای سوریه: (جدول ۵)

بین المللی	منطقه‌ای	ملی	محلی
-کسب حمایت قدرت‌های فرمنطقه ای به عنوان یک جبهه غیر اسلامی	-تعامل با ساختارهای ژئوپلیتیک ترک / عرب	-فدرالیسم و یا کنفدرالیسم دموکراتیک (کوتاه مدت)	-هژمونی حزبی در تقابل با احزاب کرد مرتبط با بارزانی و قبایل بدوین عرب
-کسب حمایت اتحادیه اروپا به عنوان اپوزیسیون سکولار رژیم اسد	-ناسیونالیسم فرهنگی کردها	-استقلال (بلند مدت)	-عوامل نمادین فرهنگی کردها
-استفاده حداکثری از دیاسپورای کرد در غرب	-گفتمان ژئوپلیتیک (از تئوروس تا زاگرس)	-بسط ژئوپلیتیک و اتصال سه کانتون جزیره، کوبانی و عافین به یکدیگر	-نضج قدرت اندیشه‌ای و قدرت مادی کردها
	تولید فضا	-سازه قلمروئی کردها در شمال سوریه	-جذب قبایل عرب در مناطق عرب/کردنشین

با این وجود و در ابتدای سال ۲۰۱۹ به دنبال خروج آمریکا از مناطق شمالی سوریه، همچنین حملات ترکیه در سال ۲۰۱۸ به کانتون عافین و حمله ترکیه در قالب عملیات چشمه صلح در اکتبر ۲۰۱۹ و تلاش برای ایجاد منطقه امن در شمال سوریه و خیانت آمریکا به آنها، بعضی از کدهای کردهای سوریه مانند کسب حمایت جبهه غرب و پیوستگی کانتونها با تهدیدی جدی مواجه شده است. به طوری که می‌توان سوژگی ژئوپلیتیک کردهای سوریه را کسوف سوژگی نامید، چرا که سازه دولت/ ملت‌های ترکیه

و سوریه مجدداً در آستانه خیزش دوباره می‌باشند. (ترکیه مشکلات داخلی خود را مرتفع و در تعامل حداکثری با روسیه، آمریکا و اتحادیه اروپا، سیاست خارجی خود را مفصل بندی مجدد و سوریه نیز تمامی قلمرو منتزع سوریه توسط داعش را تسخیر و سفارتخانه‌های خارجی نیز در آستانه بازگشائی سفارتهای خود در دمشق، می‌باشند. بنابراین می‌توان مجدداً از خیزش ساختارهای ژئوپلیتیک و به حاشیه رفتن سوژه‌های نوظهور اشاره نمود.

نتیجه‌گیری

باید تاکید نمود، سوریه و شامات هیچگاه در قرن بیستم، حوزه نفوذ ایالات متحده نبوده و تصویر سازی ژئوپلیتیک آمریکا نیز این امر را اثبات می‌نماید. از ابتدای ورود آمریکا به بحران سوریه، سیاست‌های آمریکا علاوه بر متشنج نمودن فضای سوریه، بهره‌وری امنیتی و اقتصادی را نیز نصیب آن کشور ننموده و به حیثیت این کشور نیز مخصوصاً تسلیم شدن در مقابل خواست اردوغان در حمله اکتبر ۲۰۱۹، در محافل بین‌المللی و بشردوستانه آسیب رساند. بنابراین می‌توان اتفاقاً از حیث منافع ملی، اقدام ترامپ را برای خروج از مناطق شمالی سوریه، اقدامی صحیح ارزیابی نمود. آمریکا که در جنگ با داعش، کردهای سوریه را به نیروی زمینی خود تبدیل کرده بود، در مقابل اشغال عفرین توسط ترکیه سکوت کرد و میان یگان‌های مدافع خلق و ارتش ترکیه، جانب ترکیه را گرفت. کردهای سوریه با درس نگرفته از این موضوع کماکان بیعت خود را به عنوان پیاده نظام آمریکا حفظ و به جای هم پیمانی با ارتش و حکومت مرکزی سوریه، بر مسیر اشتباه خود با آمریکا همراه شدند، همان مسیری که آنها را در دام عملیات اکتبر ارتش سوریه با نام چشمه صلح و کریدور سازی ترکها به عمق ۳۰ کیلومتر انداخت. امروز نه تنها در منطقه خاورمیانه کارگزاران محلی بلکه ساختارهای منطقه‌ای نیز با بی‌اعتمادی به سیاستهای آمریکا در منطقه می‌نگرند. سیاست‌های آمریکا برای کنشگران محلی، مانند کردهای عراق و سوریه، حوثی‌های یمن و ... خیانت و برای ساختارهای منطقه‌ای نیز شورش و دخالت در منطقه است به طوری که می‌توان سیاستهای آمریکا در خاورمیانه را راهبردهای ایدئائی و نه ایجابی نامید. ایجابی که به گفته غرب تعمیق دموکراسی با توجه

به رسالت تاریخی آمریکائیان می‌باشد. اما با توجه به دوگانه‌های ترسیمی در گفتمان تاریخی و ژئوپلیتیکی آنها، بحران آفرین است. تصویر سازی ژئوپلیتیکی آمریکا که بازتابی از بیش ژئوپلیتیکی اش می‌باشد، هدف نهائی خود را حفظ پرستیژ و تهاجم مشروع به قلمروهای دیگر می‌داند. با نگاهی به گفتمانهای دو گانه و غیریت ساز آمریکا مانند هویت / تفاوت، نظم/ بی نظمی، داخل / خارج، شرق /غرب، خود/دیگری، مثبت / منفی، خیر / شر و دیگری، تهاجم به عراق، افغانستان و سوریه توجیه می‌شود. هژمونی گفتمان‌های مذکور تفاسیری را به الیت های سیاسی آمریکا می‌دهد که ویژگی‌های دوگانه رفتاری پر قدرتی داشته باشند. هر یک از این گفتمانها در تعامل با تقویت دیگری است. به طور کلی نبرد بر علیه تروریسم و گفتمان دو گانه، ایده مرکزی درک ژئوپلیتیکی ایالات متحده آمریکا در دنیا می‌باشد که بی نظمی، خارج، شرق، دیگری، شر، منفی و تهدید را کدهای نامنی ژئوپلیتیکی خود می‌داند. حضور در شمال سوریه نیز در همین راستا قابل تبیین می‌باشد. زیرا در انگاره آمریکا در قرن بیستم اسلام، عرب، ایران و ترک نیز می‌تواند محل دیگری، شر و تهدید باشد. مناطق کردنشین سوریه یکی از متغیرهای تأثیر گذار در بحران سوریه در سالهای اخیر بوده است که محل تعارض بسیاری از کنشگران محلی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بوده است. در این راستا احزاب کرد در شمال سوریه و در قلمرو مناطق کردنشین با تقویت توان نظامی و مدل خود گردانی محلی توانسته‌اند خود را به عنوان یک نیروی تأثیرگذار در حیات سیاسی منطقه نشان دهند. گرچه ساختارهای منطقه‌ای از خیزش این کنشگر و قلمروخواهی سرزمینیان، نگران می‌باشند ولی همانطور که عنوان شد آمریکا این سوژه هویتی / جغرافیایی را به عنوان ابزار بر علیه سایر بازیگران محلی، ملی و منطقه‌ای می‌داند. بنابراین کردهای سوریه، نگران از متغیرهای مذکور چشم به آینده‌ای نامعلوم دارند که این آینده را به طور حتم خود نمی‌توانند رقم زنند. جغرافیایی شکننده، نبرد دو زیر سیستم پرو بارزانی و پرو PKK ای در کردستان سوریه، نفوس محدود، عدم حمایت کشورهای منطقه، مذهب متفاوت، زاویه شدید ترکیه، عدم همراهی کردهای عراق، همگی از عواملی هستند که نگاه کردهای سوریه را علاوه بر ظرفیت محدود کردستان سوریه به عوامل فرامنطقه‌ای و مشخصاً، ایالات متحده، علی رغم سیاستهای متعارض آنها، معطوف نموده است. این

متغیرهای سلبی، مکانی است که ایالات متحده خود را آماده کنشگری در منطقه‌ای نموده که که هیچگاه در طول تاریخ سیاست خارجی خود در آن منطقه صاحب نفوذ نبوده است و قطعاً تصویر سازی ژئوپلیتیکی آن نیز در شمال سوریه، امری عبث. در پایان باید عنوان نمود، در حال حاضر و با تنها گذاشتن کردها توسط آمریکا در شمال سوریه و حملات همه جانبه ترکیه به آنها، گزینه‌های محدودی پیش روی کردها است که شاید تنها گزینه محتمل، همراهی و ائتلاف با حکومت مرکزی و نیروهای وفادار به بشار اسد است.

منابع

- حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۶)، «گفتمان ژئوپلیتیکی ترکیه در فضاهاى تجزیه شده خاورمیانه»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۲.
- حاتمی، محمدرضا، عبدالله پور، محمدرضا (۱۳۹۷)، «برندسازی ژئوپلیتیکی واحدهای جغرافیایی دوفاکتور»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، دوره ۸، شماره ۴.
- عبداله پور، محمدرضا و قادری، رحیم (۱۳۹۴)، «سوژگی ژئوپلیتیک حزب کارگران کردستان ترکیه در بین النهرین شمالی»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، زمستان ۹۴، دوره ۵، شماره ۴.
- عبداله پور، محمدرضا، دیانت، محسن (۱۳۹۵) **دیالکتیک ساختار، کارگزار در منازعات ژئوپلیتیکی خاورمیانه**، تهران: انتشارات کلک سیمین.
- عبداله پور، محمدرضا، متقی، افشین (۱۳۹۴)، «دیالکتیک ساختار، کارگزار در منازعات ژئوپلیتیکی خاورمیانه با تاکید بر کارگزاری ژئوپلیتیکی کردستان عراق»، فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره ۵، شماره ۲.
- عبداله پور، محمدرضا، حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۶)، «قلمروخواهی سرزمینی ترکیه و ژئوپلیتیک سلفی در خاورمیانه»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۶، شماره ۳.

Gunay.A and Gokjan.F (2010,), **The 'Greater Middle East' as a 'Modern' Geopolitical Imagination in American Foreign Policy**, *Geopolitics*, 15:22-38, 2010, ISSN: 1465-0045

- Bush Says It Is Time for Action', *CNN* (6 Nov. 2001), available <http://archives.cnn.com/2001/US/11/06/ret.bush.coalition/index.html>
- C. Flint and G.W. Falah, 'How the United States Justified its War on Terrorism: Prime Morality
- D Newman and Sr Peters, 'Geopolitical Images and Discourses: Europe, the Mediterranean and the Middle East', *Third Mediterranean Social and Political Research Meeting*, Montecatini Terme and Florence, 20–24 March 2002, pp. 1–4.
- Dawn Chatty, "Syria's Bedouin Enter the Fray. How Tribes Could Keep Syria Together," *Foreign Affairs*, November 13, 2013, Accessed: May, 26, 2013. <<http://www.foreignaffairs.com/articles/140266/dawn-chatty/syrias-bedouin-enter-the-fray>>
- Felix Imonti, "Commentary, Saudis Gain Upper Hand on Syria's Battle-fields," *CNBC News Network*, March 12, 2013, Accessed: May 26, 2014.
- G. Dijkink, *National Identity and Geopolitical Vision. Maps of Pride and Pain*. (London and New York: Routledge 1996) p. 12.
- J. Agnew, *Geopolitics. Revisioning World Politics*, 2nd ed. (London and New York: Routledge 2003).
- Kolossov, Vr and O'Loughlin, JC (1998b) 'New Borders for New World Orders. Territorialities at the Fin-de-Siecle', *GeoJournal*, Minneapolis, MN: University of Minnesota press
- KurdWatch, Interview with Salih Muslim Muhammad, Chairman of the PYD, November 8, 2011.
- Kuus, M., and Agnew, J. (2008), *Theorizing the State Geographically: Sovereignty*,
- McDowall David, *The Kurds, Minority Rights Group 1996*, updated seventh edition Published December 1996
- Norman Gregor David Rae, *Reinventing Geopolitical Codes in the Post-Cold War World With Special Reference to International Terrorism Thesis for the Degree of Doctor of Philosophy Department of Geographical and Earth Sciences Faculty of Law, Business and Social Sciences, May 2007*, university of glasco
- O Tuathil, Gearoid & Agnew, John (1992), *geopolitics & discourse, practical geographical reasoning in American policy, political geography*, vol. 11. no. 2
- Pollock, David, "Syria's Kurds Unite against Assad, but Not with Opposition", *The Washington*
- Remaking Syria: A Military Update, the Diplomatic Situation, and The, Israeli Angle, 4 Apr 2017, By Zvi Magen and Udi Dekel for Institute for National Security Studies (INSS)
- S. Hurst, (note 25) p. 77. Hurst argues that neo-conservatism has been a marginal influence on a foreign policy which has been primarily characterised by conservative nationalism.
- Sykes Mark, *Journeys in North Mesopotamia (Continued)*, *The Geographical Journal*, Vol. 30, No. 4 (Oct., 1907), pp. 384-398
- Syria's Kurds History, politics and society, Jordi Tejel (2015)

- Tejel Jordi, Syria's Kurds: History, Politics and Society, Routledge, 2008, p 10
- THE REGIONAL STRUGGLE FOR SYRIA, by European council of foreign relation, (2013), edited by Julien Barnes-Dacey and Daniel Levy
- The Structure and Organization of the Syrian Opposition Ken Sofer and Juliana Shafroth May 14, 2013, CENTER FOR American progress
- THE Transformation OF Ethnic Conflict & Identity In Syria by Randall Salm
A Dissertation Submitted to the Graduate Faculty of George Mason University in Partial Fulfillment of The Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy Sociology Fall Semester 2016 George Mason University
- Thorsten Schoel, "The Hasna's Revenge: Syrian Tribes and Politics in their Shaykh's Story," *Nomadic People*, (2011), Vol: 15 Issue: 1, pp: 96 – 113
- Tillman Brück, Christie, Binzel, and Lars Handrich, *Evaluating Economic Reforms in Syria*. Deutsches Institute für Wirtschaftsforschung Berlin, Politikberatung Kompakt 35, December 2007, 22.
- Weiss, Michael, "Syrian Kurd Leader: Revolution Won't Succeed Without Minorities", Interview with
- M. Gurtov, *Superpower on Crusade* (Boulder and London: Lynne Rienner 2018, <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/assad-needs-useless-syria-too>.
46, pp. 293-299.
- Alex Shashkevich, "U.S. Wants Peace, Stability in Syria, Secretary of State Rex Tillerson Says in Policy Speech at
- Allsopp, Harriet (2015): *The Kurds of Syria. Political Parties and Identity in the Middle East*. I.B. Tauris.
- and Construction of a 'Just War'', *Third World Quarterly* 25/8 (2004) pp. 1379–1399.
- Anthony Tooth, *The Transformation of a Pastoral Economy: Bedouin and States in Northern Arabia, 1850-1950*, PhD dissertation, (University of Oxford, 2000).
- Anti-Assad Revolution," A Henry Jackson Society Report, 4-5.
Available at <http://kurdwatch.org/html/en/interview6.html> (Accessed November 14, 2012).
- Balanch, F. (2018), from the Iranian corridor to to the Shia crescent. Hoover Institute Essay
- BUILDING PEACE IN A POST-ASSAD SYRIA, 2013, Maddox, Jacob M. Thesis and Dissertation Collection
- Dawn Chatty, "The Bedouin in Contemporary Syria: The Persistence of Tribal Authority and Control," *The Middle East Journal* (2010), Vol. 64, No. 1, pp. 29-49
- Dijkink, G. 1998. Geopolitical codes and popular representations. *GeoJournal*
- Dijkink, Gertjan (1998), Geopolitical Codes and Popular Representations, *Geojournal*,
- Dion Nissenbaum, Nancy A. Youssef and Vivian Salama, "In Shift, Trump Orders U.S. Troops out of Syria", *The Wall Street Journal*, December 19,



- 2018, <https://www.wsj.com/articles/u-s-military-preparing-for-a-full-withdrawal-of-its-forces-from-northeastern-syria-11545225641>
- Dr. Abdulhakim Bashar, Chairman of the Kurdish National Council, *The Atlantic*, January 20, 2012.
- Fabrice Balanche, "Assad Needs 'Useless Syria' Too," Washington Institute, January 4, 2017, accessed May 27,
- geopolitics: The example of the Trans-Dniester Moldovan Republic
- Gunter, Michael M. (2014): *Out of Nowhere. The Kurds in Syria in Peace and War*. Hurst & Company.
- Hechter, Michael: *Containing Nationalism*. Oxford University Press, 2000.
- Hossino, Omar, Tanır, İlhan (March 2012). "The Decisive Minority: The Role of Syria's Kurds in the
- How the Current Conflicts Are Shaping the Future of Syria and Iraq, *Brian Michael Jenkins, 2016. RAND CORPORATION*
- Imagining Kurdish Identity in Mandatory Syria: theses for PhD, Finding a Nation in Exile, Ahmet Serdar Akturk, 2013, University of Arkansas, Fayetteville
- in a Fragmented Homeland*. University of Texas Press.
- in: Ofra Bengio (ed.): *Kurdish Awakening. Nation Building in a Fragmented Homeland*.
- Institute for Near East Policy, July 31, 2012.
- Interview with Kurdish politician Ilham Ahmad, cochair of the Syria Democratic Council, March 2017, in Qamishli,
- Israel's Interests and Options in Syria, *Larry Hanauer, RAND CORPORATION, 2015*.
- Kingsley.p(2019), *Who Are the Kurds, and Why Is Turkey Attacking Them in Syria?* 14. October,
- Kolossov, V. and O'Loughlin, J. (1999), 'Pseudo-States as Harbingers of a New Geopolitics: The Example of the Trans-Dniestr Moldovan Republic', in D. Newman
- Kuus, M., and Agnew, J. (2008), *Theorizing the State Geographically: Sovereignty*,
- Mohammad Al-Qushairi, M. (in Arabic), An interview with Muhammad Mazyad al-Tirkawi, *al-Sharq al-Awsat Newspaper*, May 6, 2012, Accessed: May 26, 2014.
- O'Loughlin.J. (2013), *Divided Space, Divided Attitudes? Comparing the Republics of Moldova and Pridnestrovie (Transnistria) Using Simultaneous Surveys*, Institute
- Of Behavioral Science, *EURASIAN GEOGRAPHY AND ECONOMICS VOL.54, NO.2, 2013*
- Oztales, Filiz. 2004. "Severe Ethnic Violence: An Integrated Explanation of the
- Paasi, A. (2011). A border theory: An unattainable dream or a realistic aim for border scholars? In D. Wastl-
- Perspectives from the Austrian-Slovakian border region. In N. Adams, G. Cotella, & R. Nunes (Eds.),

- PINTO, E. (2007a) 'Les Kurds' de Syrie', in B. Dupret, Z. Ghazzal, Y. Courbage, and M. al- Dbiyat (eds) *La Syrie au présent. Reflets d'une société*, Paris: Actes Sud.
- Post-Asad Syria: Opportunity or Quagmire? by Patrick Clawson, institute for national defense university, 2012
- Search for National identity" in: Ofra Bengio (ed.): *Kurdish Awakening. Nation Building*
- Smith, Robert C. (2000), 'How durable and new is transnational life? Historical retrieval through local comparison', *Diaspora* 9 (2): 203-234.
- sofie.Anne(2017), the Kurds of Syria, royal Danish defense college
- Spyer.J. (2018), Israel and the Emergent Western Conflict Against Iran in Syria, Paper No. 50 October 10 2018
- Stanford," Stanford News Service, January 18, 2018, accessed May 27, 2018, <https://news.stanford.edu /2018 /01/18>
- Syria.
- Syrian Arab News Agency (SANA): Syrian and Arab Tribes Embark on National Reconciliation, Wordpress Blog, May 5, 2012, Accessed: May 26, 2014.
- Tejel, Jordi (2014): "Toward a Generational Rupture within the Kurdish Movement in Syria?"
- The kurds of Syria (2017), Anne.schott,Royal Danish Defense College
- The PKK's Fateful Choice in Northern Syria by(icg), Middle East Report N°176 | 4 May 2017
- The United States in Northeastern SyriaGeopolitical Strategy Ca nnot Ignore Local Reality Fabrice Balanche Hoover Institution • Stanford University University of Texas Press.
- Vladimir Kolossov and John O'Loughlin (1998a), Pseudo-states as harbingers of a post-modern
- Zisser, Eyal (2014), "The Kurds in Syria: Caught between the Struggle for Civil Equality and the
- Bialasiewicz, D. Campbell, S. Elden, S. Graham, A. Jeffrey, and A. J. Williams, 'Performing Security: The Imaginative Geographies of Current US Strategy', *Political Geography* 26/4 (May 2007), p. 406. See also J. Agnew, *Geopolitics. Revisioning World Politics*, 2nd ed. (London and New York: Routledge 2003).

